

سازمان CIA

پاره ای از عملکرد های گذشته سازمان CIA در امریکای لاتین؛
گوشه ای از کارکرد های این سازمان در افغانستان.

بخش (۱۶)

کبیر توخی

تاریخ نگارش (۱۴ جنوزی ۲۰۰۹)

تاریخ ارسال آن به پورتال " افغانستان آزاد - آزاد افغانستان " (۱۶ مارچ ۲۰۱۲)

گوشه ای از عملکرد های CIA در افغانستان

- ۱- تأملی گذرا؛ بر سیاست امپریالیزم امریکا در قبال افغانستان .
- ۲- امپریالیزم امریکا برای تسخیر افغانستان به کدام شیوه ها متصل شد .
- ۳- بعضی ابعاد مهم کار کرد های سازمان سیا که منجر به کمترین عکس العمل مردم در برابر تجاوز آشکار امریکا به افغانستان گردید.
- ۴- سازمان سیا با کدام نهاد ها در افغانستان اعمال نفوذ می کرد.
- ۵- فعالیت سیا در قالب انجوها در افغانستان.
- ۶- زندان های افغانستان و زندان های اعمار شده توسط امریکا ، تماماً تحت نظر مستقیم سیا اداره می شوند.
 - A- زندان های رسمی
 - B- زندان های خصوصی
- ۷- مروری بر ارتش های خصوصی [Private Military Companies (PMC)
- ۸- ازخاد KGB تا "راما"ی CIA در افغانستان
 - A- نگاهی اجمالی به خاد KGB و اسلافش
 - B- ریاست عمومی امنیت ملی افغانستان

بلی خواننده گرامی ، اعتراضات آقای نادری که خود به فرمایش CIA از طریق همین دولت دست نشانده در رأس به اصطلاح " کمسیون مستقل حقوق بشرافغانستان " قرار داده شده گوشه ای از جنایات جنایتکاران حرفه ئی و خاینین به مردم و افغانستان یعنی ائتلاف سمت شمال را در زندان ها برملا نموده است . واقعیت های عملکرد این باند های آدمکش (وحدتی ، دوستمی ، شورای نظاری ، سیافی و دیگران) که هر کدام زندان و یا زندان های مختص به خود را داشتند و مردم را در آن دخمه های تاریک مورد وحشیانه ترین شکنجه ها قرار می دادند حال که توسط امپریالیزم جنایتکار امریکا حاکم بر زندان ها که اکثریت زندانیان آن را پشتون ها تشکیل می دهد، از هیچ نوع جنایت در مورد محبوسان رو گردان نیستند . امپریالیزم اشغالگر در راستای اكمال پروژه خائینانه و استعماری افتراق ملی به اصطلاح در پی آن است تا بدین شگرد شناخته شده ملیت بزرگ پشتون (از لحاظ کمیت) را در میان سایر ملیت ها و اقوام آزادیخواه کشور، مثل تاجیک ها (به شمول پنجشیری ها) ، هزاره ها و ترکمن ها و ازبک ها و ... [که در ماهیت امر هیچ گونه تعلق میان اقوام و ملیت های مذکور و جنایتکاران و باند های برخاسته از میان همین ملیت ها و اقوام نجیب کشور نمی تواند وجود داشته باشد] تجرید نماید . و خلق آزادی خواه و شجاع پشتون که شدیداً هدف ضربات قوای متجاوزین قرار دارند ، به درستی این نیرنگ استعمار را می فهمند . امروز به وضاحت دیده می شود که در سایر مناطق و محلات غیر پشتون نشین کشور مردم آزادیخواه افغانستان کم و بیش به پا خاسته علیه نیرو های متجاوز می جنگند که این خود همراهی، هموندی، همسوئی و همسنگری مجموع ملیت ها و اقوام شجاع کشور با خلق رزمنده پشتون [منهای گلبدینی ها ، حقانی ها و طالبانی که علیه امریکا و ناتو می جنگند و آن بخشهایی که به مزدوری امریکای متجاوز و اشغالگر و شرکاء افتخار می نمایند] نشان می دهد . امپریالیزم و نهاد استخباراتی آن چون سازمان CIA امریکا و MI6 انگلستان و سایر نهاد های اطلاعاتی کشور های درگیر جنگ در افغانستان به انواع مختلف تلاش می ورزند هم در داخل کشور و هم در سطح جهان ذهنیت ها را منحرف ساخته عکس العمل های مردم را به پای طالب و القاعده نوشته زیر همین عنوان به قتل عام مردم ما ادامه میدهند .

CIA اگر بعد از پایان جنگ سرد در ۱۹۹۰ ، قسمتی از آرشیف اسناد خود را بر روی خبر نگاران و محققین باز نمود و اطلاعات دست چندم ، یا اطلاعات سوخته ای را در اختیار آنان گذاشت (همان کاری را که سازمان امنیت شوروی KGB بعد از فروپاشی آنکشور انجام داد) ؛
CIA اگر همزمان با این باز گشائی - اطلاعات سوخته و به درد نخور - عده ای از باز نشستگانش را توظیف نمود تا در بخشهای مبارزات فرهنگی شروع به نوشتن خاطرات خود نموده یا با خبرنگاران رسانه های خبری از جمله BBC به مصاحبه پردازند ... ؛

CIA اگر بخشی از اعضایش را در لباس وزارت فرهنگ امریکا (حتا از سال ۱۹۴۷) بدینسو برای دستکاری و انحراف فرهنگ کشور های دیگر ، در پنج قاره جهان تقسیم نمود و آنان در این زمینه با توانمندی مسلکی و پولی در این قاره ها آغاز به کار نمودند . تا در راستای عملی کردن منافع و علایق خارجی دولت امریکا در سطح جهانی هدف این سازمان را برآورده سازند ؛

CIA اگر بر طبق بعضی از اسناد بیرون آمده اقلأ در ۳۵ کشور فعال بود ، حدود ۱۷۰ بنیاد فرهنگی و یا بنیاد خیریه در کشور های گوناگون را حمایت مالی میکرد ؛

CIA اگر رادیوئی به نام "صدای آزادی اروپا" (RFE) باکمک ۲۹ فرستنده رادیوئی و به ۱۷۰ زبان مختلف اخبار جعلی و یا واقعی پخش مینمودند؛

CIA اگر بعد از سالها تلاش مستمر، در انجمن قلم نویسندگان جهانی پن (PEN) نفوذ نمود و کمک مالی به چاپ و نشر آثار بعضی از نویسندگان غیر چپ یا طرفدار امریکا و معرفی و نقد و تقریظ آثار آنها در مجلات خودی و غیره پرداخت؛

CIA اگر در پهلوی سلاح های کشنده نظامی، با انبار اسلحه و مهمات فرهنگی وارد کارزار نبرد در جبهه فرهنگی شد و نمایشگاه های آثار هنری، برگزاری فستیوالهای موسیقی مدرن غیر انتقادی را سازمان داد و روزنامه، مجله، کتاب، کنفرانس، سمینار، نمایشگاه، کنسرت، اهدای جایزه و غیره را تدارک دید؛

CIA اگر به سازماندهی مخفی برنامه هائی برای گروه ها و انجمن های جوانان، سندیکاهای کاری، عضو گیری در دانشگاه ها، راه انداختن سازمان های انتشاراتی و مؤسسات خصوصی مبادرت ورزید؛

CIA اگر از میان گروه های شغلی مانند: نمایندگان مجلس، استادان دانشگاه، رهبران محصلین و دانشجویان، دیپلماتها، قضات، وکلا و سایر تحصیلکرده های اکادمیک که در کارخانه های فکر سازی مشغول هستند، نیز عضو گیری مینمود؛

CIA اگر سخنرانی های علمی - اجتماعی راه می انداخت، در چاپ و نشر آثار روشنفکران غربی که ضد امریکائی نبودند سرمایه گذاری مینمود، نمایشگاه هنر افتتاح می کرد، صاحب یک آژانس خبرگزاری مهم بود که در هنگام مناسب اخبار جعلی پخش میکرد...؛

CIA اگر موفق شد (بنا بر ادعای همکاران سابقش) افرادی که آگاهانه یا ناخود آگاه (چون سوسیالیستهای سر خورده و بریده سابق مثل اینیاتسیو سیلونه نویسنده کتاب معروف "نان و شراب"، جورج اورول نویسنده کتاب "مزرعه حیوانات") به دامش گیر کردند مورد سوء استفاده قرار داده آنان را در زیر چتر تبلیغاتی فرهنگی قرار داد؛

CIA اگر موفق به معتاد نمودن عده ای دیگر از روشنفکران که ضعف اراده داشتند و یا مستعد بودند گردید و توانست شخصیت های برجسته ادبی چون ژان پل سارتر [نویسنده "جنگ شکر در کوبا"، "تهوع"، " هستی و نیستی"، "روسپی بزرگوار" و...]، [سیمون دوبورا]، [خانم سارتر و نویسنده کتاب "خاطرات یک دختر جوان"، "میمنان" و...] و جورج اورول و... را الکحولی و دایم الخمر بسازد و بعضی از آثار غیر انتقادی برتر اندراسل [۱] و بورخس را با بودجه و تبلیغات مناسب چاپ و منتشر نماید و بعضی از آثار حرمان هسه، باسترناک، ارنست همینگوی، سولژنیتسین، کافکا و اندره ژید، از جمله دریافت کنندگان یا نامزدان جایزه نوبل ادبیات در حوزه فعالیت فرهنگی خود در سطح جهانی تبلیغ می نماید؛

CIA اگر به مقصدش دست یافت و تفسیر، نقد ادبی ولادیمیر ناباکوف در باره پوشکین شاعر انقلابی روس را، با آب و تاب فراوان در مجلات وابسته به خود تبلیغ و ترویج نمود. وهمزمان (با دادن جایزه نوبل و یا تبلیغ برای نویسندگان طرفدارش) نویسندگان یا هنرمندان مخالفش مانند برشت، گورکی، نرودا، گویا، پیکاسو و ناظم حکمت (و در گذشته جک لندن نویسنده معروف، انشتین ریاضیدان بزرگ جهان و...) را مورد حمله قرار بدهد و یا سعی در گمنام کردن آنها بنماید؛

با اینهمه امکانات مالی در جبهه فرهنگی هیچ چیزی نصیبش نشد، جزء رسوائی باز هم بیشتر از پیش، جز بدنامی باز هم فزونتر از قبل.

CIA اگر با تبختر قادر شد (و یا ظاهراً قادر شد) پنجشیری، علمی، گلاب زوی و سایر پرچمی های شورا نشین و قلاده به گردن آن FSB امپریالیزم روس را عمدتاً با تخویف و قسماً با تطمیع در خدمت منافع خود در افغانستان قرار دهد.

CIA اگر موفق شد خلیلی و امثال شانرا از باند وحدت؛ قانونی و امرالله صالح و سایر جنایتکاران را از شورای نظر؛ دوستم قصاب و باند جنبش ملی وی؛ و سایر جنایتکاران اخوانی را با جنایاتی که در افغانستان مرتکب می شوند، همدست و هموند سازد؛

CIA اگر با پیروزی توانست افرادی با باسابقه چپ (و یا ظاهراً سابقه چپ) مثل داکتر دادفر به وزارت تعلیمات عالی، اسپنتا را به وزارت خارجه و بشر دوست را به وزارت پلان و براهوی را به کرسی وزارت بگمارد.



ظاهر طنین و کوفی عنان

ظاهر طنین
قبلاً عضو "حزب دموکراتیک خلق"
(و عضو KGB شوروی)، بعد از
خزیدن در دستگاه BBC و پذیرفتن
عضویت MI6 (سازمان جاسوسی
انگلیس)، از طرف آنکشور به
نماینده‌گی از دولت به اصطلاح
مستقل افغانستان بهسرمنشی
"سازمان ملل متحد" معرفی گردید!

CIA امریکا و MI6 انگلستان [۲] اگر توانستند از خلقی ها و پرچمی های رادیوی BBC عضو گیری نموده ظاهر طنین (قبلاً عضو کمیته مرکزی "حزب دموکراتیک خلق" و عضو KGB) را به سمت نماینده دولت افغانستان به سازمان ملل متحد بفرستد؛

CIA اگر توانست یک تن از اعضای افغانی اش (خالد حسینی) را به سمت نماینده "ملل متحد" در افغانستان گسیل دارد و بعداً توسط وی فیلم "کدی پاران باز" را به خاطر افتراق و انشقاق میان خلق های باهم برادر پشتون و هزاره بسازد و بر روی پرده سینما به حرکت در آورد؛

CIA اگر با هزار نوع "توانستن" دست به هر ترفند و حيله و مکر و تزویر و ریب و ریا و خدعه و ریوه و دسیسه و توطئه، به اضافه شگرد های نوینی که در زمینه اغفال خلقهای با هم برادر افغانستان و در پیشاپیش آنان طلایه داران متعهد و روشنفکران و نویسندگان شجاع و مبارز آن، در گستره مبارزه فرهنگی کسب کرده است، بزند؛ هرگز به آرمان پلیدش که همانا انقیاد و اشغال کشور برای همیشه می باشد؛ دست نخواهد یافت. این حکم خرائین تاریخ هم در چین و کوریا، هم در ویتنام و هم در سراسر تاریخ استعمار کهن و استعمار نو در آسیا، افریقا و امریکای لاتین، صحت و درستی و حقانیتش را در وجدان بشریت به ثبوت رسانیده است. ●

توضیحات

[۱] - «از جهت ثبت در تاریخ باید گفته شود ، بدون تأیید مؤسسه سلطنتی روابط امور بین المللی، هیچ واقعه ای در صحنه سیاست خارجی رخ نمی دهد . این یک روند استمراری است که به زمان حال نیز کشیده شده و برای نخستین بار ، به اساس توافق آشکار (پیش از آن ، توافق های محرمانه بسیاری در این زمینه به عمل آمده بود) بین چرچیل (صدراعظم انگلستان) و روزولت (رئیس جمهوری امریکا) در سال ۱۹۳۸ آغاز شد. بر پایه همین توافق، سرویسهای اطلاعاتی امریکا موظف شدند با سرویس های جاسوسی بریتانیا همکاری تنگاتنگ داشته باشند » (به نقل از کتاب « کمیته ۳۰۰ » صفحه ۴۴ ، اثر داکتر جان کولمن عضو برجسته سازمان جاسوسی انگلیس MI6)

[۲] - خوانندگان گرانقدر این قلم در یک نشریه توفان که برش آن را نزد خود دارم نوشته شده که فیلسوف معروف برتراندراسل با سازمان سیا نزدیکی داشت . اینک نظر یکی از اعضای بلند پایه MI6 یعنی **داکتر جان کولمن** را در مورد حدود صلاحیت و قدرت و نزدیکی این فیلسوف با سازمان های اطلاعاتی در زیر مطالعه نمائید

« مشکل چین ، راسل برتراند.

کنفرانسهای پاک واش، راسل ، برتراند. در اوایل دهه ۱۹۵۰، راسل هدایت جنبشی در جهت انجام یک حمله هسته ئی اضطراری به روسیه، را بر عهده گرفت . هنگامی که استالین به این امر آگاهی یافت، هوشدار داد که در انتقامجویی متقابل تردید نخواهد کرد . این هوشدار به فوریت در اندیشه راسل اثر گذارد و تقریباً یک شبه به عنصری صلح خواه بدل گشت . بدین ترتیب جنبش " محدودیت بمباران " در زمینه خلع سلاح هسته ئی تولد یافت . از همین نقطه، کنفرانسهای پاک واش ، یعنی اجتماع دانشمندان مخالف برنامه هسته ئی آغاز گردید . نخستین گروه در سال ۱۹۵۷، در خانه سایروس ایتان ، یک کمونیست امریکائی شناخته شده، در نوازکاتیا تشکیل جلسه دادند. کنفرانس پاک واش ، هم خود را وقف مسائل ضد هسته ئی و زیست محیطی نموده و به واقع ، خاری در پهلوی ایالات متحده ، در جهت جلوگیری از گسترش سلاح های هسته ئی در این کشور به شمار می رفت »

[" کمیته ۳۰۰ " صفحه ۲۹۹ اثر داکتر جان کولمن]

پاره ای از عملکرد های گذشته سازمان CIA در امریکای لاتین
و گوشه ای از کارکرد های این سازمان در افغانستان



Government Buildings (CIA, FBI etc)

از منابع زیر استفاده شده :

- ۱- فرهنگ سیاسی (اثر: داریوش آشوری)
- ۲- "مدرسه دیکتاتور های امریکای لاتین (اثر : ب عفیف)
- ۳- کتاب " افغانستان در مسیر تاریخ " جلد دو (اثر: میر غلام محمد غبار)
- ۴- "کمیتة ۳۰۰ ، کانون توطئه های جهانی " (اثر: داکتر جان کولمن)
- ۵- طعم ناخوشایند استعمار (اثر: سراج الدین ادیب)
- ۶- کتاب " دهه قانونی اساسی ، غفلت زدگی افغانها و فرصت طلبی روسها " (اثر: صباح الدین کشکی)
- ۷- رساله "درنگی بر ژورنالیسم زرد جنایت سالار پسند شگر الله کهگدای مدیر مسئول کاروان (اثر: رووف روشنایی) مندرجه سایت وزین [www.payameazadi.org@gmail.com]
- ۸- رساله "بیائید جمعیت ، شورای نظار و مسعود را بهتر بشناسیم " (اثر: بریالی دربابایی) مندرجه سایت وزین [www.baaba.eu]
- ۹- جزوه " بادرنگی مختصر بر پاره ای از عملکرد های جمهوری اسلامی ایران ، میتوان ماهیت اصلی آنرا برملا نمود . مندرجه سایت وزین [www.baaba.eu]
- ۱۰- رساله " پایگاه نظامی امپریالیسم امریکا در جهان و آرزوی کرزی " (اثر: کبیر توخی) مندرجه سایت وزین [www.payameazadi.org@gmail.com]
- ۱۱- هژدهم برومر لویی بناپارت (اثر: کارل مارکس)
- ۱۲- نشریه " شهروند " چاپ تورنتو
- ۱۳- [www.iran_world.com]
- ۱۴- [www.iranclubs.org]
- ۱۵- [www.rawa.org]
- ۱۶- [www.kabuli.org]
- ۱۷- [www.foaum.persiadown.com]
- ۱۸- [www.ir.mondediplomatique.com]
- ۱۹- [www.afghanpaper.com]
- ۲۰- [www.hamshahrioline.ir]
- ۲۱- [www.iranpesh.net]
- ۲۲- [www.armans.info]
- ۲۳- [www.kabulpress.org]
- ۲۴- [Deutsche Welle (www.dw-world.de)]
- ۲۵- [washingtonpost.com: Iran]
- ۲۶- [www.bbc.persian.com]-۲۷ [www.spiegel.de]-۲۸ [www.8mars.com] ؛
- ۲۹- [www.tribun-e-azad.blogspot.com] .

ضمیمهٔ : (زندانیان ابو غریب)



درعکس اندام جنسی (بریده شده) زندانی نیز دیده می شود

پاره ای از عملکرد های گذشته سازمان CIA در امریکای لاتین
و گوشه ای از کارکرد های این سازمان در افغانستان



پاره ای از عملکرد های گذشته سازمان CIA در امریکای لاتین
و گوشه ای از کارکرد های این سازمان در افغانستان



پاره ای از عملکرد های گذشته سازمان CIA در امریکای لاتین
و گوشه ای از کارکرد های این سازمان در افغانستان



آلة شکنجه و صدمه وارد کردن به حافظه زندانی



دو نماد جنایت و کشتار و تجاوز و اشغال
[سوسیال امپریالیزم شوروی
و امپریالیزم امریکا]
با دو تن از افرازان پلید و بویناک
که سالها پیش در زباله دان تاریخ
پرتاب شده اند.
معلوم نیست دو تن وطن فروش
و جنایتکار دگر، با بلند کردن دست
های آغشته به خون مردم افغانستان ،
آماده رفتن به کجا می باشند ؟



« شورش علیه مرتجعین بر حق است »



مسئولین اصلی تمام جنایات و کشتار خلق های جهان ؛ مسئولین واقعی تمام تجاوزات به کشورها - از جمله عراق و افغانستان - ؛ مسئولین غارت و چپاول ثروت های مادی و معنوی کشورهای آسیا ، افریقا و امریکای لاتین ؛ مسئولین استثمار و استعمار خلق های جهان ؛ مسئولین حفظ و حمایه از تمام ادیان و خرافات جهان ؛ مسئولین جنگهای تباهن میان کشورها ؛ مسئولین تخریب محیط زیست بشر و کره زمین و مسئولین ؛ فقط و فقط کشورهای امپریالیستی و رهبران جنایتکار آن ، بویژه رهبران ایالات متحده امریکا ، روسیه و انگلیس است .
هزاران هزار پخسه تف برآنانی که با شگرد های مختلف تجاوز کشورهای امپریالیستی را به افغانستان ، از طریق رسانه های گفتاری ، دیداری و نوشتاری مورد تأیید قرار می دهند .

پایان نوشته (" پاره ای از عملکرد های گذشته سازمان CIA در امریکای لاتین ؛

گوشه ای از کارکرد های این سازمان در افغانستان ")